

"تنش های ملی و مذهبی" هم نداشتند. امروز دیر نشده باشد. مذهب هم میتواند یکی از نتایج و عوارض بعدی این از هم گسیختگی مدنی باشد. اما نه علت آن است و نه شکل اصلی بروز آن. جمهوری اسلامی در یک بن بست سیاسی و اقتصادی قرار دارد و با سر به سمت فروپاشی می رود. احتمال زیادی وجود دارد که پس از یک سلسله جدالها و کوفتها از داخل خود رژیم، کلا یک خلاء قدرت و بنیال آن یک خان خانی نظامی و جنگ داخلی در کشور بروز کند. اگر این وضعیت طول بکشد و موقعیت استیصال آمیز بشود، امکان شکل گیری همه نوع انفکاک، از جمله بر حسب مذهب و قومیت هست، اما بنظر من شکل ملی و مذهبی در جنگ داخلی احتمالی در ایران برجسته نخواهد بود. یک احتمال واقعی حضور نظامی آمریکا و غرب از طریق

بنظر من بد نیست کمی تعمق کند. شاید هنوز دیر نشده باشد. **همبستگی:** نوشته اید که جمهوری اسلامی ایران را به آستانه انفجارات هولناک اجتماعی کشانده است. یکی از احتمالات آینده را فروپاشی کامل جامعه و منبیت در اثر تنش های ملی و مذهبی و امثالهم میدانید. جدا منظورتان اینست که تمامیت ارضی ایران در خطر قرار خواهد گرفت؟ **منصور حکمت:** «تمامیت ارضی» لغت من نبوده و نیست و "در خطر" افتادنش هم جایی در مقاله من نداشت. بحث بر سر جنگ داخلی و از کف رفتن شیرازه جامعه مدنی است، با کشتارها و آوارگی ها و محرومیت هایی از نوع یوگسلاوی و افغانستان و آنگولا. این احتمال در ایران بسیار واقعی است و بر خلاف بیان شما من این را نتیجه

وقتی الان که دستشان به جایی بند نیست، جواب مخالفین شان را اینطور میدهند، کاملا قابل تصور است که اگر روزی به فرض محل شهرباتی جایی را بدست بگیرند چه رفتاری با مردم خواهند داشت. و تازه این جریانی است که خودش دو سال تمام خمینی را پدر روحانی خودش میدانسته. بهرحال بحث من در آن مقاله هم اینست که مجاهد پدیده مهمی نیست. بازیگر قابل اعتنائی در صحنه سیاسی آتی ایران نیست، یک سکت مذهبی من در آوردی و کوچک است، که مثل همه نمونه های مشابه در دنیا تا وقتی در صندوقش پول بگذارند، وجود دارد. مثل هر سکت دیگر میتواند مایه انبیت و آزار و دردسر مردم بشود، اما سخن گفتن از مجاهدین با الفاظ سیاسی، رنگی از جدیت به این جریان میزند که حقیقی نیست. اگر کسی با انگیزه سیاسی وارد این سازمان شده،

گفتگوی نشریه همبستگی

با منصور حکمت

در باره "سناریوی سیاه"

اولین بار در دی ۱۳۷۲، ژانویه ۱۹۹۵، در شماره ۵۴ نشریه همبستگی منتشر شد.



ایران توسط مجاهدین و یا شورای ملی مقاومت آنها غیر ممکن است و نوشته اید که اداها و نمایشات جاری مجاهدین بیشتر شبیه بازی کودکان است تا اقدامات جدی سیاسی برای سرنگونی جمهوری اسلامی. خود مجاهدین تبلیغ میکنند که آنها تنها آلترناتیو رژیم جمهوری اسلامی هستند و هر کس علیه آنها چیزی بگوید یا بنویسد در کنار جمهوری اسلامی قرار دارد. در اینباره چه میگویند؟

منصور حکمت:

چرند میگویند. این نوع برخوردها هم نمونه ای از فالانژیسمی است که خمیره این سازمان را میسازد.

*جمهوری اسلامی در یک بن بست سیاسی و اقتصادی قرار دارد و با سر بسمت فروپاشی می رود! همبستگی: شما در نوشته "روایهای ممنوع مجاهد" گفته اید که در یک شرایط متعارف سیاسی و اجتماعی تشکیل حکومت در

هجری ، مهتدی : آزمونی سیاه، آزمونی خطا !



رحمان حسین زاده

بریشریبت و جامعه ایران و ایضا راه مقابله با آن سخن می رود. در ست در این اوضاع مشاهده دنیای حقیر ناسیونال فدرالیستهای کرد و بویژه انگلهای سیاسی تازه از راه رسیده این قافله کمدی تراژیک است. و سوسه سهمی از قدرت با اتکا به پول و اسلحه آمریکا سرکردگان این نو جریان را با سر به حیطة آزمونی سیاه کشانده است. قرار است به قیمت تنهایی یک

منابع خبری وابسته به جریانات ناسیونالیست کرد، با نوق زندگی زایدالوصفی از حضور مصطفی هجری و عبدالله مهتدی مسئولین حزب دمکرات کردستان ایران و سازمان زحمتکشان در واشنگتن خیر میدهند. قرار است مامورینی از پنتاگون و یا شعبه خاورمیانه وزارت خارجه آمریکا آنها را ملاقات کنند. آمریکا در مسیر تحمیل جنگی خطرناک و ضد انسانی در جغرافیای ایران دنبال حلقه بگوشان محلی و پیاده نظام وطنی است. این دو جریان از

در صفحات دیگر

مردم مبارز سندج تنها جمع آوری تومار اعتراضی کافی نیست، باید به اقدامات جدیتری دست بزنیم ! کارگران قابلیباف بوکان به تشکل خود نیاز مبرم دارند! اعتراضات کارگران کارخانه شاهو ادامه دارد! عبدول آمانی با اعتراض مردم سردشت آزاد شد!

در عربده کشی ارتجاعی قومی شرکت نکنید! پیرامون رویدادهای اخیر شهر تبریز



حسین مرادبیگی (جمه سور)

و آینده این مردم در جریان سرنگونی جمهوری اسلامی فکر میکند، باقی نگذاشته باشد. ایستادن ما در مقابل طرح فدرالیسم و اصرار ما بر بی آبرو کردن خرافه قومی و ملی در جامعه طوریکه کسی جرات پیش کشیدن آن را نداشته باشد، برای این بود که شاهد چنین روزهایی نباشیم. رویدادهای اخیر شهر تبریز بار دیگر صحت ایستادن ما را در مقابل طرح فدرالیسم و هشدارهای ما را در این مورد نشان میدهد.

اینکه میگفتیم جامعه در مقابل ویروس قومی واکسینه نیست، میگفتیم دنبال فدرالیستها هورا نکشید، میگفتیم ادعای تنشهای قومی و ملی حل نشده پشت طرح فدرالیسم و تقابلی که قوم پرستان مختلف راه انداخته اند، جعل و کثیف است، اکنون با راه افتادن عربده کشی های قومی چند روز اخیر باید شک و تردیدی در این مورد برای کسی که به سرنوشت

گروه های گارد آزادی را تشکیل دهید ! به گارد آزادی بپیوندید !



آزادی، برابری، حکومت کارگری!

سازمان ملل اساسا در جنوب کشور و تشکیل یک دولت محلی در آنجاست که بتواند منطقه خلیج را از بحران سیاسی و نظامی در بقیه ایران دور نگاه دارد. مساله مورد بحث من بهرحال جنبه مندی - انسانی این وضعیت و عواقب مشقت بارش برای دهها میلیون انسان است و عقب برگشتن تاریخ و سیاست در کل ایران و منطقه برای دهها سال. وگرنه رفراند در کبک هم ممکن است «تمامیت ارضی» کانادا را زیر سوال ببرد، بی آنکه هیچ آدم متمدنی یک شب خوابش را سر مساله حرام کند. **همبستگی:** چطور میشود از واقعیت یافتن این آینده هولناک در ایران جلوگیری

کرد؟

منصور حکمت:

نسخه تضمین شده ای وجود ندارد. قدر مسلم اینست که هوشیاری نسبت به احتمال این دورنما از جانب مردم و نیروهایی که برای سرنگونی رژیم تلاش میکنند تأثیر خواهد داشت. متعهد شدن بخش هرچه بیشتری از نیروهای اپوزیسیون به اصل اجتناب از چنین وضعیتی و اعلام پبندگی آنها به برخی اصول مندی و سیاسی، چه امروز و چه در فردای سرنگونی رژیم اسلامی، به اجتناب از این کابوس کمک خواهد کرد.

میستگی:

منظورتان اینست که جبهه ای از

احزاب سیاسی اپوزیسیون درست بشود و اینان برای جلوگیری از سناریوی جنگ داخلی فعلا اختلافات خود را کنار بگذارند و بر اساس فصل مشترکها و برنامه جبهه حرکت بکنند؟

منصور حکمت:

خیر، منظورم ابتدا این نیست. چنین جبهه ای نه زمینه دارد، نه عملی است و نه اصولی. بنظر من اتفاقا اگر جریانات اپوزیسیون ایرانی اختلافات سیاسی خود را به وسیع ترین شکل بحث کنند و بشکافند و بر آن پافشاری کنند، شانس سیاسی شدن فضای جامعه و اجتناب از توحشی که رژیم اسلامی و جریانات آوانتوریست میروند به بار بیآورد بیشتر میشود. اما کاری

که میشود کرد، بعنوان گام اول، اینست که نیروهای اپوزیسیون زیر یک بیابیه امضاء بگذارند که در آن امضاء کنندگان نه فقط امکان چنین روندی را مورد توجه قرار میدهند، بلکه به موازین و اصولی برای اجتناب از آن متعهد میشوند. تمام قضیه بر سر دشوار کردن بروز یک چنین کلبوسی در ایران است. بنظر من فعلا احتمال این سناریوی سیاه خیلی بیشتر از یک روند متعارف سرنگونی حکومت و جایگزینی آن با حاکمیت دیگری است.

همبستگی:

خود شما و حزب کمونیست کارگری ایران چه اقداماتی را در اینباره در دستور کار دارید؟

منصور حکمت:

پلنوم دوم کمیته مرکزی این موضوع را بحث کرد و قرار مقدماتی ای هم در اینباره صادر کرد. دفتر سیاسی حزب موظف شده طرحی در این مورد تهیه و اجرا کند. این مصوبات و فعالیت های بعدی حزب در این زمینه در نشریه انترناسیونال منعکس خواهد شد. از جمله، برای شروع، بزودی یک سمینار وسیع در مورد آینده ایران و روندهای احتمالی خواهیم داشت که نتایج و اسنادش را منتشر خواهیم کرد.

هجری، مهدی....

جامعه 70 میلیونی و به قیمت جنگ و کشتار وسیع و پاکسازیهای قومی به منصبی و به نان و نوایی برسند. فدرالیسم همین است. ضمیمت چنین پروژه ای با منافع مردم و مدنیت جامعه ضرورت خنثی کردن آن و رسوا کردن طراحان آن را بیش از پیش ضروری میسازد. آزمون سیاه هجری - مهدی در عین حال آزمونی خطا و بی آینده است. محاسباتشان بشدت غلط است. اینها رویای طالبانی - بارزانی شدن را در سر

میپرووراندند. اما متوجه نیستند شرایط زمانی و فاکتورهای سیاسی و حتی جغرافیایی و موقعیت متفاوت کشوری، به آسانی اجازه تکرار سناریوی مشابه 15 سال اخیر کردستان عراق را به آنها نمیدهد. مقطع کنونی، دوره 15 سال قبل و "آغاز طلوع خونین نظم نوین جهانی" که کلی توهم و ابهام حول نقشه های آمریکا در صحنه سیاست منطقه وجود داشته باشد نیست. مردم، عراق را دیده اند با 15 سال عواقب مضر اجتماعی، اقتصادی و جنگی و جامعه ای ویران شده و درهم کوبیده شده و

کردستان عراق را دیده اند با 15 سال سرگردانی و بلا تکلیفی و بی اینگی و فساد وسیع کنونی. مردم جنگ آمریکا و عواقب آن و عراق جولانگاه تروریسم را می بینند و تنفر بر حق آنها از جمهوری اسلامی آنان را به راه حل استیصال و بی اینگی و تایید عراقیزه کردن سوق نمیدهد. ناراضیاتی وسیع از تهدیدات جنگی آمریکا از همین حقیقت مایه میگردد. مردم 15 سال فدرالیسم احزاب حاکم در کردستان عراق و ابعاد وسیع فساد کنونی را دیده و مجبور به انتخاب آن نیستند. و مهمتر از اینها کمونیسم و چپ و

رایدیکالیسم جامعه کردستان ایران بزرگترین مانع تحقق رویاهای انگلی هجری - مهدی و هر دو جریان تحت مسئولیتشان است. هر دو خوب میدانند بر خلاف کردستان عراق در سه دهه اخیر هیچگاه صحنه سیاست کردستان ایران و تناسب قوای آن اجازه یکه تازی به ناسیونالیسم کرد ننداده است. اینبار نیز چنین اجازه ای نخواهند داشت. آنان خوب باید بدانند سرنوشت آن جامعه را باجنگ و موشک و بمب آمریکا و وصل شدن به آن و در کریدورهای پنتاگون نمیتوان رقم زد. اینجا کمونیسم قوی و قدرت

چپ جامعه و توده مردم آگاه اراده و نقش فعال و سازنده تاریخ خود را میتواند ایفا کند. ما و مردم و چپ جامعه متحد و متشکل و در صفی محکم، با حزممان و گارد آزادی مسیر دیگری و راه تحقق آزادی و رهایی و برابری در مقابل جامعه قرار داده و قابل انتخاب کرده ایم کردستان ایران دروازه قدرت آزادیخواهی و برابری خواهد بود و ما این را تضمین میکنیم اینجا است به هجری - مهدی باید گوشزد کرد محاسباتتان خطا و اشتباه و مسیرتان بی آینده است. آزمونی سیاه و خطا را برگزیده اید.

در عربده کشی ارتجاعی قومی شرکت نکنید!

در میان مردم رواج دهند. فردا اگر کسی خواست قومیت خود را مسخره کند چی؟ بر سر آزادی بیانی که بعد از سرنگونی خفقان جمهوری اسلامی حراست آن بعهده ما خواهد افتاد چه خواهد آمد؟ باید شاهد این بود که یک بار با عربده کشی مذهبی، این بار با عربده کشی قومی آن را در گور کنند. حریم قومیت ظاهرا از حریم مذهب نیز "مقدس" تر است که نتوان آن را مسخره کرد؟ اگر فردا کاریکاتوریست دیگری یک کاریکاتور "شوونیستی" کشید، با این حساب مردم بزبانهای مختلف باید در شهرها و روستاهای مختلف در مقابل هم سنگربندی کنند. اگر شانس آوریم و هنوز پاکسازی قومی شروع نشده بود، و یک نفر رفت و سوال کرد چه خبر است؟ چرا میخواهید همدیگر را لت و پار کنید؟ بگویند،

کاریکاتوریستی یک کاریکاتور "شوونیستی" کشیده بود! به این جز حماقت قومی نام دیگری نمیتوان نهاد و اگر هشیار نباشیم و از هم اکنون دست به کار نشویم، ویروس حماقت قومی جامعه و مردم را به استیصال میکشاند. واقعا خجالت آور نیست دانشجوی انقلابی و آذیخواه انگار که صف اعتراض مردم برای آزادی و برابری به حرکت درآمده است، نه تنها در مورد این حرکت ارتجاعی به مردم هشدار دهد که نیروی خود را از دانشگاه سهند تبریز جمع کند تا به عربده کشی قومی به پیوندد! انگار متوجه نیستند که یک بار با عربده کشی مذهبی آخوندها را، و این بار با عربده کشی قومی دارند گنگستر ها و فاشیست قومی را رو نوح مردم معترض به جمهوری اسلامی سوار میکنند و آنان را "رهبر" این مردم میکنند. دانشجوی مبارز و آذیخواه به جای اینکه به مردم هشدار دهد که مردم دست نگهدارید! از این حرکت ارتجاعی حتی اگر علیه

جمهوری اسلامی است فعلا فاصله بگیرید، به جای اینکه به مردم بگویند عربده کشی قومی اعتراض ما نیست! متأسفانه دارد نیروی خود را پشت سر "توجماها و بیگوییچها و کارادبجهای وطنی" بسیج میکند تا فردا به راحتی خود را رو کرده مردم سوار کنند. به جای هشدار به مردم، ظاهرا به شعارهای ارتجاعی آنان پرداخته است. دانشجویان، جوانان! عربده کشی قومی اعتراض ما نیست. ارتجاع محض است. حتی اگر آن را طوری سازمان دهند که علیه جمهوری اسلامی نیز باشد نباید در آن شرکت کرد. تحرکات و تحریکات قومی جمهوری اسلامی را در مقابل مردم متنفذ از جمهوری اسلامی تقویت میکند. اعتراض "هخا" و اکنون عربده کشی قومی به هیچ وجه از سنخ مبارزه برای آزادی نیست، از سنخ برابری زن و مرد نیست، از سنخ بیمه بیکاری و دستمزد و حق تشکل و غیره نیست که دور آن

جمع شد، ارتجاع محض است. مستقیما علیه آزادی و برابری و زندگی و امنیت و آینده فرزندان ماست. علیه بچه هایی است که در کوچه با همدیگر بازی میکنند. راه تعرض به جمهوری اسلامی شعار آزادی و برابری و مرگ بر جمهوری اسلامی است. باید عربده کشی قومی را علیه آزادی بیان محکوم کرد و از آن فاصله گرفت. با این اعتراضات ارتجاعی من و شما به قدرت نمیرسیم حتی اگر "شلوغ" هم بشود. این اشتباه را یک بار در انقلاب 57 کردیم، تکرار آن دیگر اشتباه نیست، خودکشی است. با این حرکات ارتجاعی تنها جامعه و مردم را به استیصال میکشاند و بر متن این استیصال مشتگی گنگستر سیاسی و نظامی و فاشیست قومی روی سر مردم میریزند. از عربده کشی قومی تنها بوی سناریوی سیاه و گورستانهای قومی میآید. نیروها و جریاناتی که عوام فریبانه دارند به بهانه مبارزه با جمهوری اسلامی این حرکات ارتجاعی را توجیه و

تبرئه میکنند، دارند به پای مردم معترض به جمهوری اسلامی تیر میزنند. کسی که اکنون به خیابان میآید و عربده کشی قومی راه میاندازد، دارد بر طبل جنگ قومی فردا میکوبد. این تحرکات چیزی نیست جز چنین مقدمات سناریوی سیاه جلو چشمان ما، جز ایجاد خفقانی دیگر این بار به نام قومیت. اجازه ندهید فدرالیستها و فاشیستهای قومی به جان جامعه و مردم بیفتند، دست به کار شوید، در محطیهای کار و زیست خود متشکل شوید، گروههای گارد آزادی را تشکیل دهید، دارد دیر میشود، قبل از قربانی شدن باید جلو فاجعه را گرفت.

23 مه 2006

کارگران قالیبافی بوکان مواجه با غیر انسانی ترین استعمار و بی حقوقی! کارگران قالیباف بوکان به تشکل خود نیاز مبرم دارند!



سلام زیجی

دارند.

دولت جمهوری اسلامی عامل و مسئول مستقیم این وضع است! ادارجات و کارمندان جمهوری اسلامی در کمال بیشرمی به این شکل دارند خود و دولت را تبرئه میکنند: "احمدزاده با عنوان اینکه اخطارهای زیادی به کارگاهها برای رعایت موازین قانونی داده شده افزود: بی توجهی خانوادهها نسبت به شرایط سخت کار کودکان خود و ناگامی آنها از پیامدهای این نوع فعالیتها موجب شده تا برخوردهای قانونی نتیجه چشمگیری نداشته باشد." (وبلاگ بوکان نیوز در مصاحبه با یونس کریمی)

توجه میکنید "خانوادهها" مقصودند! آقای احمدی زاده خود را به فهمی میزنند. آنسته از خانوادههای نیز که به این ترتیب مجبور شده اند کودکان عزیز خود را قربانی کنند نه از روی خواست که از روی اجبار شدید اقتصادی است که زندگی آنها را نابود کرده

است. به این دلیل ساده که دولت مسئولیتی در قبال اکثر جامعه و از جمله کودکان و خانواده های کارگری قالیباف ندارد. ۴۰ میلیارد ریال در سال ارزش قالیبافی تولید شده در بوکان است. این رقم، رقمی است که با فروش روح و جسم و نیروی کار شریفترین و انسانیترین انسانها، کودکان ما، برای کارفرما و دولت تامین شده است. این یک جنایت بزرگ، جنایت مستقیم علیه کارگران قالیباف و کودکان است. این حقیقت را نمی توان با "توضیحات" شرمگینانه جناب احمدزاده رئیس اداره کار یابی و اجتماعی رژیم نمیتوان از آن چشم پوشید.

کارفرما و دولت مشترکا و کاملا آگاهانه و مطلع از وضع کارگران و کودکان قالیباف در جنایت بکارگیری کار کودکان سهیم میباشند. در این شهر قریب به ۲۵۰۰ کارگاه و با بیش از ۸ هزار کارگر در آن مشغول به فروش

نیروی کار خود با رزانتترین قیمت و قربانی جسم و روح خود بخاطر فقر اقتصادی و زندگی در جنگل جمهوری اسلامی ایران هستند. در مناطق روستائی وضع اسفناک تری در پشت میله ها و اتاقهای تاریک قالی در جریان است. کودکان کم سن و سال ترند، دستمزد به مراتب کمتر و با ساعت کار بیشتر و درد و رنج و بیماریهای بیشتر. کودکانی که در این کارگاهها مشغول بکارند برای همیشه زندگی آنها به تباهی خواهد رفت و دنیا شیرین کودکی امروز آنها از هم اکنون نابود خواهد شد و این برای همیشه آینده بزرگسالی آنها را نیز پر بحرانی و پر از درد و مشکلات و چه بسا با بیماریهای سخت و غیر قابل علاج روبرو خواهد ساخت.

کارگران قالیباف بوکان باید متشکل شوند! بدونه ایجاد یک تشکل کارگری، مانند "مجمع کارگران قالیباف، اتحادیه کارگران قالیباف و یا انجمن، سندیکا و یا هر شکل و نامی که مناسب میدانند، نمی توان هیچ تلاشی برای بهبود وضع کارگران و کودکان قالیباف انجام داد. کافی است از این هشت

هزار کارگر هشتاد نفر از آنها دور هم جمع شوند و این تشکل را ایجاد کنند و همه را عضو آن کنند. این تشکل باید کاملا مستقل از دولت و بنور از این نوع دخالت ادارجات بی خاصیت و دولتی که امثال احمدزاده در راس آن است باشد. لغو فوری کار کودکان و تامین معاش و آموزش و درمان رایگان وظیفه دولت است. مجبور کردن کارفرماها و دولت برای برسمیت شناختن تشکل کارگران قالیباف بوکان گام نخست در ایجاد امر اتحاد و غلبه بر پراکنندگی و سوء استفاده کارفرما از نیروی کارگران قالیباف میباشد.

کارگران و مردم مبارز بوکان ضمن حمایت از این کارگران و ایجاد تشکل آنها، نباید اجازه دهند بردگی که جمهوری اسلامی و کارفرما به کودکان و کارگران قالیبافی بوکان تحمیل کرده اند بیش از این تداوم یابد.

زنده باد ایجاد تشکل کارگران قالیباف شهرستان بوکان!

دو خرداد ۸۵
۲۰۰۶، ۰۵، ۲۳

مردم مبارز سنندج تنها جمع آوری توامار اعتراضی کافی نیست، باید به اقدامات جدیتری دست بزنیم!

شاهو از سنندج

آب آلوده سد شویم معلوم شده است که مواد راه یافته به سد سرطاز است و اثرات مخربی در بدن برجای می گذارد. در چند سال گذشته مسئولان جمهوری اسلامی برای لاپوشانی میزان آلودگی آب و خاک پاشین به چشم ما مردم، کنفرانسها و سمینارهای متعددی را با حضور عده ای از کارشناسان مزدور وزارت نیرو، آب و فاضلاب و محیط زیست و جمعی از مسؤولان استان برای بررسی میزان آلودگی سد برگزار کرده اند. در یکی از این جلسات یکی از کارشناسان بل اجبار رو به حاضرین گفته است حادثه سد قشلاق و راهیابی ماده سمی «ام.تی.بی.ای» به سد را خبری تأسف بار برای محیط زیست منطقه است. گفته بود میزان آلودگی سد، بسیار فراتر از آن چیزهایی است که مسؤولان می گویند. وی این ماده سمی را خطرناک اعلام و اظهار داشته بود که استفاده از آب آلوده به این

ماده ها، موجب ترک خوردن پوست، آسیب دینن مفاصل و ابتلا به چند نوع سرطان می شود. حتی فاش ساخته بود که آزمایش این ماده بر روی موشهای آزمایشگاهی، بروز سرطان کبد و کلیه در موشها را نشان داده است. شکی نیست که جمهوری اسلامی برای زندگی و جان ما مردم ارزشی قائل نیست. رژیم جهل و جنایت اسلامی به خطری که کاملا زندگی یک شهر یک میلیون و چند صد هزار نفری را تهدید میکند بی تفاوت و حتی تلاش میکند که این واقعه را رویدادی جزئی و عاری از خطر نشان دهد. در این رابطه و در اثر نگرانیهای شدید مردم، جمعی از ساکنان شهر اقدام به جمع آوری توامار اعتراضی کرده اند. با وصف و ارسال آن به ادارات و مسؤولان، یکی از شیوه های مبارزه برای بدست آوردن فضای سالم و محیطی عاری از انواع آلودگیها است. اما

کافی نیست مت مردم مبارز سنندج نباید به سانگی از کنار این خطر عظیم بگذریم و به چنین اقدامهای اکتفا کنیم وقتی آب آلوده سد زندگی ما صدها هزار انسان را به شدت تهدید می کند نباید منتظر اقدامات جنایتکاران جمهوری اسلامی بمانیم همه اطلاع داریم که چند سال از آلودگی آب سد می گذرد اما حاکمان اسلامی وانمود می کنند که اتفاق خطرناکی نیفتاده است. عملا اقدامی جدی جهت رفع خطر آلودگی آب آشامیدنی که جان و زندگی ما مردم منطقه تهدید می کند انجام نداده اند. به این خاطر لازم و ضروری است که ما مردم شهر سنندج و روستها رژیم اسلامی را تحت فشار قرار دهیم و آنها را به اقدامات جدی جهت رفع خطرات ناشی از آلودگی آب سد مجبور سازیم. مائترین راه اعتراض گسترده و دسته جمعی ما مردم سنندج و روستها است که میتوانستند مسنولان رژیم و ادار به اقدامات جدی کنند. لازم است دهها هزار نفر از ما در مقابل ادارت دولتی و از جمله استاندار، فرمانداری، محیط زیست، شرکت آب و فاضلاب شهر جمع و خواهان رسیدگی فوری و رفع خطری شویم که عواقب خطرناکی را به دنبال دارد.

لازم است خواستار این مسئله شویم که هیئتها و کارشناسانی از بهداشت جهانی و سایر مراکز بین المللی به سنندج اعزام و در مورد این حادثه تحقیقات لازم را به عمل آورند. اقدامات لازم جهت رفع آلودگی آب آشامیدنی مردم زیر نظر مجامع بین المللی پیگیری و نتیجه آن رسماً به اطلاع ما مردم رسانده شود. نباید گذاشت اثرات مخرب مواد موجود در آب بر مردم این شهر و مردمی که در اطراف این سد زندگی میکنند بیش از این ادامه داشته باشد، خطر ناشی از این مواد شیمیائی تنها ما مردم شهر سنندج را تهدید نمی کند. بلکه میتواند برای مردم دیگر مناطق که از ماهیهای موجود در سد و محصولات کشاورزی این منطقه استفاده می کنند و همچنین صدها روستای دور و بر سنندج خطر ساز باشد. بدون اعتراض دسته جمعی ما چنین امری امکان پذیر نیست.

اعتراض به بی توجه مسنولان رژیم را گسترش دهیم
زنده باد اعتراضات متحدانه ما مردم بر علیه جانیان اسلامی

مرگ بر جمهوری اسلامی!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

اطلاعیه کمیته سردشت! باید جلو دستگیریهای رژیم را گرفت!

روز پنجشنبه ۲۸ اردیبهشت نیروهای انتظامی جوانی ۱۸ ساله بنام عبدال آمانی اهل ربطرا باز داشت و روانه زندان میکنند. مزدوران رژیم دلیلی برای اینکار نداشته اند. وقتی از جانب خانواده نامبرده دلیل دستگیری عبدال را جویا میشوند آنان در پاسخ میگویند عبدال با تلفن موبایل در حال صحبت کردن بوده و حرف زدنش مشکوک

به نظر می رسیده و نیز سبک لباس پوشیدنش به کمونیستها میرفته! اینها استدلال مزدوران این رژیم جهل و خرافه در جواب به خانواده عبدال بوده است. جنایتکاران اسلامی با همین دلایل جوانان را روانه زندان میکنند، اگر با اعتراض و مخالفتی روبرو نشود بهمین راحتی خیمه شب بازی دادگاه اسلامی را ترتیب میدهند و حکم زندان و اعدام هم صادر و اجرا میکنند. چون پایه های این سیستم با این مبنا بنا شده است.

دستگیری عبدال آمانی از جانب جنایتکاران رژیم اسلامی، از اعتراض و مبارزه مردم سردشت برای آزاد ساختن کلیه ای دستگیر شدگان پشتیبانی می نماید.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست (کمیته سردشت) ۲/۳/۱۳۸۵

بخشهای مختلف و مردم سندانج است. در این راه از هیچ کوششی نباید دریغ کرد. ما به سهم خود در ایمن راه از هیچ کوششی کوتاهی نخواهیم کرد.

زنده باد اتحاد و یکپارچگی کارگران
نابود باد نظام ضد انسانی سرمایه داری
زنده باد آزادی و برابری
کمیته سندانج حزب کمونیست کارگری
ایران - حکمتیست
۱۳۸۵/۲/۳۱ اردیبهشت

محکوم کردن سیاستهای ضد کارگری صاحبان و مدیریت کارخانه شاهو و دولت جمهوری اسلامی که در تمام سالیان گذشته علیه کارگران و در دفاع از صاحب کار بوده، از اعتراض و مبارزات کارگران کارخانه شاهو قاطعانه پشتیبانی می کند.

کارگران، مردم!
اعتراض و مبارزات کارگران کارخانه شاهو و ایستادگی آنها در مقابل مدیریت و صاحب کار و اقدامات ارتجاعی آنها که همگی به کمک دولت و اداره کار رژیم پیش رفته است، برای همگی ما روشن است. کارگران شاهو و اعتراضات آنها شایسته وسیعترین پشتیبانی از جانب کارگران

در جمع خود شدند. کارفرما در جمع کارگران حاضر نشد اما کارگران در همانجا اعتراض مجدد خویشان را نسبت به تعطیلی کارخانه اعلام داشتند.

مذاکرات کارگران با مدیریت کارخانه از جانب نمایندگان کماکان در جریان است. بر اساس اخبار رسیده با توجه به تصمیم مدیر کارخانه مبنی بر تعصیل کارخانه، کارگران خواهان حق باز نشستگی خویشان شده اند که تا کنون تلاشها و مذاکرات آنها به نتیجه مشخص نرسیده است. ضمناً کارگران خواهان مطالبات دیگر خود نیز از جمله پرداخت حقوق معوقه شان شده اند. کمیته سندانج حزب حکمتیست ضمن

اعتراضات کارگران کارخانه شاهو ادامه دارد!

اطلاعیه کمیته سندانج حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

در اواخر سال گذشته کارخانه شاهو سندانج از طرف صاحبان این مرکز کارگری بهانه تغییر ساختار کارخانه تعطیل اعلام گردید. مدیر کارخانه در این رابطه به کارگران اعلام داشته است که از مزایای بیمه بیکاری برخوردار می شوند. کارگران در اعتراض به تصمیم مدیریت در تاریخ ۱۳۸۵/۲/۲۴ در مقابل دفتر کارفرما تجمع اعتراضی را تشکیل دادند و خواهان حضور مدیر کارخانه

تبریک میگوید. ما همزمان مردم مبارز سردشت و ربطرا را فرامیخوانیم تا با اعتراض هماهنگ و یکپارچه خود، کاربستان رژیم را وادار به آزادی تمام دستگیرشدگان اخیر کنند.

علی عدالی
دبیر کمیته سردشت حزب کمونیست
کارگری ایران - حکمتیست
۲ خرداد ۱۳۸۵

چرخدار در این حرکت حضور داشت، صحنه ای به یاد ماندنی و شور انگیز از اعتراضی موفق علیه سیاست دستگیری و ارباب رژیم بود. عبدال در میان شور و شوق و شادی خانواده و بستگان خود و تعداد زیادی از مردم سردشت و به همت اعتراض یکپارچه آنان به خانه خود باز گشت.

کمیته سردشت حزب حکمتیست این پیروزی را به مردم مبارز سردشت، بویژه به همه آزادیخواهانی که در این اعتراض سهیم بودند

دستگیری در مقابل فرمانداری و اداره اطلاعات رژیم جمع کرده و خواهان آزادی فوری عبدال شدند.

مزدوران رژیم که قبلاً اعلام کرده بودند وی را به مهاباد اعزام خواهند کرد، در مقابل اعتراض مردم و نگرانی از گسترش این اعتراض فوری و همانجا عبدال را آزاد کردند.

آزادی عبدال در میان شور و شوق مردم مبارز سردشت و با حضور پدرش که با وجود نقض عضو، به کمک صندلی

اطلاعیه کمیته سردشت حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست عبدال آمانی با اعتراض مردم سردشت آزاد شد!

بنیال خبری که نیروز راجع به دستگیری عبدال آمانی جوان ۱۸ ساله در سردشت اعلام کردیم، امروز تعداد زیادی از بستگان و مردم مبارز سردشت در اعتراض به این

در بزرگداشت یک زندگی پربار، ضمیمه منتخب آثار منصور حکمت، در ۶ صفحه منتشر شد.

این کتاب را از طریق واحد های حزب و یا مستقیماً از طریق دبیرخانه حزب خریداری کنید



در هفته منصور حکمت، در بزرگداشت یک زندگی پر بار، اکتبر ویژه منتشر خواهد شد.

کمک های مالی به کمیته کردستان حزب

- | | |
|---------------------------|------------------------------|
| ۱_ هاشم ترکمن ۱۲۰۰ کرون | ۴_ ابوبکر شریفزاده ۱۲۰۰ کرون |
| ۲_ علی شریفزاده ۱۲۰۰ کرون | ۵_ قادر محمودپور ۱۲۰۰ کرون |
| ۳_ سلام زیجی ۱۲۰۰ کرون | ۶_ علی شریفی ۲۰۰۰ کرون |

با پوشش از خوانندگان اکتبر و سیاوش عزیز، در شماره ۹۱ اکتبر، کمک مالی سیاوش از نوژ ۱۰۰ کرون قید شده بود که تصحیح شده آن ۵۰۰ کرون میباشد.

تماس با ما:

دستیار سردبیر: اسماعیل ویسی
esmail.waisi@gmail.com

دبیر کمیته کردستان:
h_moradbiegi@yahoo.com
Tel: 0046762737560

سردبیر:

sharifi_abdollah@yahoo.com
Tel: 00467365226

به حزب کمونیست کارگری - حکمتیست بپیوندید!